



Critique of al-Ghazālī's Interpretation of Avicenna's Alleged References to Wine Consumption

Gholamali Moghadam¹

Mohammad Mahdi Salami²

Doi:

10.30497/ap.2025.247875.1727



Abstract

Al-Ghazālī is among the most prominent critics of philosophy in the Islamic tradition. He opposed philosophers through both theoretical and practical critiques, including arguments for internal incoherence, external objections, and moral appraisals of philosophers' character and conduct. Among his accusations, al-Ghazālī charges Avicenna—regarded as the foremost representative of the philosophical current of his era—with disregard for the rulings of the Sharī'a and with committing certain sins, including wine consumption. This type of critique, which appeals to psychological and emotional sentiments, had a strong impact on the general public, whose acceptance or rejection of ideas was often influenced by their feelings toward the thinker. Part of al-Ghazālī's case rests on phrases either written by Avicenna himself or attributed to him. The central issue examined in this article is the evidential weight and reliability of such references in substantiating al-Ghazālī's claim. Using an analytical approach, the study shows that: (1) the reports cited as evidence are internally contradictory—for instance, they portray Avicenna simultaneously as engaged in prayer, Qur'ānic recitation, and seeking divine assistance in solving scientific problems, while at the same time returning from the mosque to drink wine; (2) the terms *mashrūb* and *sharāb* are semantically broad, encompassing not only wine but also syrups, fruit juices, and medicinal mixtures, with no decisive reason to interpret them as grape wine; and (3) juristic opinions regarding the prohibition or permissibility of certain beverages, such as date wine, varied at the time, and based on historical and legal context, the drink attributed to Avicenna and others may not have been considered unlawful. Accordingly, these considerations render al-Ghazālī's interpretation questionable and open to serious doubt.

Keywords: al-Ghazālī, critique of philosophy, critique of Avicenna, wine (*sharāb*), accusation of wine consumption.

1. Assistant Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Khorasan Razavi, Iran.

dr.moghadam@razavi.ac.ir

2. PhD Candidate in Islamic Philosophy and Theology, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Khorasan Razavi, Iran.

mahdisalami4794@gmail.com

نقد برداشت غزالی از عبارات ناظر به شراب‌خواری ابن سینا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۴

غلامعلی مقدم*^۱

محمد مهدی سلامی^۲

Doi: 10.30497/ap.2025.247875.1727

چکیده

غزالی از مخالفان بزرگ و نامدار فلسفه است. او تلاش خود را برای مقابله با فلسفه و فلاسفه از طریق نقد نظری و عملی، اثبات تهافت درونی، نقدهای بیرونی و ارزیابی شخصیت و رفتارهای فیلسوفان به کار گرفته است. او در برخوردی روان‌شناختی ابن سینا را - که نماینده رسمی جریان تفکر فلسفی عصر او به حساب می‌آید - به بی‌اعتنایی به احکام شریعت و ارتکاب برخی معاصی از جمله شرب خمر متهم کرده است. این شیوه بر توده مردم که تابع احساسات و عواطف‌اند و محبت و نفرت آن‌ها در پذیرش و انکار افکار نقشی اساسی دارد، بسیار اثرگذار است. بخشی از ادعا و دلیل غزالی در این زمینه ناظر به عباراتی است که از خود ابن سینا یا درباره او نقل شده است. مسئله تحقیق بررسی میزان دلالت و اعتبار این نحوه استناد در اثبات مدعای موردنظر است. در این مقاله به روش تحلیلی ادله و عبارات ادعا شده تجزیه و تحلیل شده و نشان داده شده است که: (۱) در این باره گزارش‌های مورد استناد گرفتار تعارض و تهافت در محتوا است. در این گزارش‌ها ابن سینا در حل مسائل علمی به نماز و قرآن و معنویت و التجاء به درگاه خدا معتقد است و بلافاصله بعد از بازگشت از مسجد به ارتکاب شرب خمر اقدام می‌کند؛ (۲) لفظ «مشروب» و «شراب» میان «شراب، شیر، آبمیوه و معجون» مشترک است و ترجیح شراب انگوری دلیل موجهی ندارد؛ (۳) آراء فقهی در حرمت و حلیت برخی اقسام شراب، مانند شراب خرما، و شرایط آن‌ها مختلف است و مطابق قرائن و شواهد، در فقه رایج آن زمان مشروب مورد استفاده ابن سینا و دیگران حرمت نداشته است؛ بنابراین جهات برداشت غزالی محل تأمل و تردید است.

واژگان کلیدی: غزالی، نقد فلسفه، نقد ابن سینا، شرب خمر فلاسفه، اتهام شراب‌خواری به فلاسفه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، خراسان رضوی، ایران (نویسنده مسئول).

dr.moghadam@razavi.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، خراسان رضوی، ایران.

mahdisalami4794@gmail.com

مقدمه

دستیابی به واقعیت و کشف قوانین حاکم بر نظام هستی مهم‌ترین آرمان و هدف دانشمندان علوم مختلف در طول تاریخ بوده است؛ البته از آنجاکه مسیرها و ابزارهای علمی تحصیل واقعیت مختلف است، محصولات تلاش دانشمندان نیز، به‌ویژه در علوم انسانی، متعدد و قرین اختلاف و مناقشه بوده است. به‌کارگیری ابزارهای مختلف در کشف حقیقت مانند حس و تجربه، عقل و اندیشه و شهود و وحی سبب می‌شود هر یک از طرفداران مکاتب فکری ابزار، روش و نتیجه تحقیق خود را ترجیح دهد، بر آن اساس به نقد دیگران پردازد و گاه درصدد مقابله و نفی دیگران برآید. در حوزه علوم اسلامی یکی از مصادیق بارز این امر تقابل دو جریان ظاهرگرایی و نقل‌محوری با جریان باطن‌گرایی و عقل‌محوری است که از صدر اسلام تا کنون ادامه دارد. پس از دوران ترجمه و فراگیری فلسفه در میان مسلمانان، این تقابل به اوج خود رسید و طرفین منازعه روش‌های مختلفی در نفی و اثبات شیوه فکری خود به‌کار گرفتند. یکی از شیوه‌های متداول ظاهرگرایان متهم کردن فیلسوفان و طرفداران فلسفه به اموری از قبیل بی‌اعتنایی به ظواهر شرع و مقدسات، انکار مبانی دینی، توجیه و تأویل اصول عقاید، عدم‌التزام به احکام، برتر دانستن خود از انبیاء، نفاق و فسق و ارتکاب معاصی و درنهایت تکفیر آن‌هاست (غزالی، ۱۹۹۳، ص. ۱۹).

غزالی اگرچه خود شخصیتی عقل‌گرا و آشنا به مباحث فلسفی است و در تهافت به شیوه‌ای فلسفی مباحث نظری فلاسفه را نقد کرده است، می‌توان او را در به‌کارگیری شیوه مجادله عرفی یکی از مشهورترین و موفق‌ترین چهره‌های مخالف فلسفه به‌شمار آورد. او علاوه بر نقد نظری استدلال فلسفی به نقد رفتارهای شخصی، خصوصیات اخلاقی و ملزومات عملی فلاسفه نیز پرداخته و با استفاده از مجادله، مسلک علمی و عملی آن‌ها را زیر سؤال برده است (غزالی، ۱۳۸۲، ص. ۱۹۲؛ نصر، ۱۳۸۲، ج ۱، ص. ۴۳۹).

به نظر غزالی تکیه بر توانایی و استقلال عقل در فهم و تشخیص مصالح و مفسدات و درک حقایق، فلاسفه را از التزام عملی به برخی احکام شریعت بازداشته است (غزالی، ۱۹۹۳، ص. ۱۹). ابن سینا به‌عنوان نماینده جریان فلسفی از این جهت در معرض نقادی غزالی قرار دارد.

غزالی در اثبات این مطلب به عباراتی ناظر به شرب خمر اشاره کرده و چنین برداشت کرده که «فیلسوف» در مواردی که جواز عقلی بر وجود منفعت و مصلحت داشته باشد، استفاده از شراب را جایز می‌داند و به شرب خمر اقدام می‌کند (غزالی، ۱۹۹۳، ص. ۵۹).

در مقاله حاضر به نقد و تحلیل برداشت غزالی در این باره پرداخته شده است؛ به این منظور مواضعی که غزالی و دیگر مخالفان گزارش نموده و از آن‌ها شرب خمر «فیلسوف» را برداشت کرده‌اند، نقل و سپس به ارزیابی و نقد آن‌ها پرداخته‌ایم.

پیشینه

در جهان اسلام مخالفت با جریان فلسفه از ابتدای ورود فلسفه مطرح بوده است. مخالفان همواره به نقد توانایی عقل در درک و توصیف معارف دین پرداخته‌اند. این رویارویی علاوه بر نقدهای علمی، در مواردی با شیوه‌های دیگری همچون اعتراض به عدم رعایت کامل ظواهر شریعت انجام شده است. مسئله شرب خمر از این موارد است که در کتب غزالی و دیگر آثار مرتبط آمده است و می‌توان آن را پیشینه عام بحث تلقی نمود؛ مثلاً می‌توان به «تهافت الفلاسفة» (غزالی، ۱۳۸۲، صص. ۷۰ و ۲۹۲)، «المنقذ من الضلال» (غزالی، ۱۹۹۳م، صص. ۶۰-۵۷)، «جواهر القرآن» (غزالی، ص. ۶۱-۶۰)، «تتمة صوان الحکمة» (بیهقی، ۱۳۹۰، ص. ۴۱)، «تسع رسائل في الحکمة و الطبیعیات (في علم الاخلاق)» (ابن سینا، بی تا، ص. ۱۵۵)، «رسائل» (ابن سینا، بی تا، ص. ۱۴۷)، «سرگذشت ابن سینا» (جوزجانی، ۱۳۳۱، ص. ۳) و... به عنوان منابعی برای دستیابی به تاریخچه عام این بحث اشاره کرد.

در خصوص انتساب یا نقد اتهامات عملی به فلاسفه، از جمله پایبندی ابن سینا به امور شرعی، مقالاتی نوشته شده که در آن‌ها به جنبه‌هایی از این مسئله پرداخته شده است؛ از جمله مهم‌ترین آن‌ها موارد ذیل است:

۱) «ملاحظات اخلاق علمی و عملی در زندگی و آثار ابن سینا» (آسمانی، و ساجدی، ۱۳۸۹). نویسندگان این مقاله سعی نموده‌اند با دقت در برخی آثار مکتوب برجای مانده از ابن سینا خصائص اخلاقی وی را در سه حوزه اخلاق علمی، اخلاق عملی و اخلاق پزشکی بررسی کنند.

۲) «نقد و بررسی مواجهه جدلی غزالی در نسبت ضعف ایمان و شرب خمر به فلاسفه» (مقدم، و سلامی، ۱۴۰۲). در این مقاله نویسندگان به بررسی شیوه جدلی غزالی در طرح و اثبات این اتهامات به فلاسفه پرداخته و مواجهه او در اثبات این دعاوی را از جهت روش‌شناختی بررسی کرده و نشان داده‌اند که روش تحقیق غزالی مبتنی بر استقراء ناقص و مبالغه‌روانی و تحریک عواطف و احساسات و غیرت دینی و مذهبی بوده و به همین دلیل قابل اطمینان نیست. در مقاله پیش‌رو تمسک غزالی به عباراتی که ناظر به شرب خمر ابن‌سیناست، نقد شده است.

۳) «نیم‌نگاهی به زندگی و سیرت اخلاقی ابن‌سینا» (باغستانی، ۱۳۸۶). نویسنده این مقاله ابتدا با بیان زندگی‌نامه اخلاقی و عملی شیخ‌الرئیس سعی در شناساندن شخصیت علمی وی به عنوان الگویی آموزنده برای طالبان علم دارد و سپس در پی زدودن ابهامات موجود در زندگی‌نامه اوست که ممکن است وجهه وی را مخدوش سازد.

۴) «ابن‌سینا فیلسوف عقل - ایمان‌گرا» (خلیلی، و اکبری، ۱۳۸۷). این مقاله به دغدغه ابن‌سینا، یعنی نشان دادن همسویی باورهای دینی با یافته‌های عقلانی پرداخته است. به اعتقاد نویسنده اگرچه این مسئله به صراحت در آثار وی بیان نگردیده است، می‌توان با دقت در آثارش فهمید که وی باورهای دینی را بر اندیشه‌های عقلانی برتری داده و در مواردی نیز حکم به توقف عقل در ساحت فهم دین نموده است.

آنچه در مقاله پیش‌رو تحلیل شده و می‌توان آن را وجه نوآوری مقاله محسوب کرد، این است که به نحو عینی و مصداقی عباراتی که از سوی مخالفان، به‌ویژه غزالی، درباره ابن‌سینا به آن‌ها استشهد شده از جهات مختلف تحلیل و بررسی شده و سوء برداشت غزالی از آن‌ها در ضمن چند عنوان ارائه شده است. برحسب تتبع نگارندگان، در کارهای انجام شده به این موضوع پرداخته نشده است.

۱. مواجهه منفی غزالی با فلاسفه

چنانکه گفتیم، مخالفان فلسفه از جمله غزالی در عدم رعایت کامل ظواهر شریعت و احتمال شرب خمر به برخی عبارات مرتبط با سیره علمی و عملی ابن‌سینا تمسک جسته‌اند؛ البته غزالی در نقد رفتارهای فیلسوفان و برخورد با فلاسفه کمتر به نحو مصداقی به شخص خاصی

پرداخته است. او معمولاً نقدهای نظری و عملی خود را کلی و مبهم به جماعت فیلسوفان یا نمایندگان تفکر فلسفی یا افکار آنها نسبت داده است (غزالی، ۱۳۸۲، ص. ۵۹). غزالی حتی در تحقیق میدانی خود در المنقذ - که در آن برای تحلیل علل تضعیف دین داری با اشخاصی از فلاسفه مصاحبه کرده است - از شخص خاصی نام نبرده و همواره از طرف گفت و گوی خود با عنوان «کسی که اهل فلسفه است» یا «فیلسوف» یاد کرده و برخی اعمال از جمله شرب خمر را به آنها نسبت داده است (غزالی، ۱۹۹۳، ص. ۵۹).

غزالی (۱۹۹۳م) علت اقدام به شرب خمر را اعتماد شخص به «حکمت» یعنی فلسفه، و «تشحیذ ذهن» یعنی فلسفه ورزی، معرفی می کند:

برخی از آنان را می بینید که قرآن می خوانند و در نماز جماعت شرکت می کنند، اما با وجود این از شراب خواری و انواع فسق و فجور دست نمی کشند! ... و اگر از او پرسند: «چرا مشروب می خوری؟»، می گوید: «مشروبات الکلی از آن جهت که موجب دشمنی و کینه می شود، حرام شده و من با حکمتی که دارم از این امور پرهیز می کنم. قصد من از خوردن شراب تشحیذ ذهن است (غزالی، ۱۹۹۳م، ص. ۵۸).

اگرچه این اتهام مستقیماً متوجه ابن سینا نیست، با توجه به قرائن موجود در کلام غزالی و تصریح به انتساب آن اشخاص به مکتب فلسفی ابن سینا، می توان گفت فارابی و ابن سینا نیز در معرض این اشکال اند: «این منتها درجه دین داری کسی است که در مکتب فلسفه الهیان درس خوانده و این امور را از کتب ابن سینا و فارابی آموخته است.»^۱ (غزالی، ۱۹۹۳م، ص. ۵۸). غزالی درباره انگیزه خود از نوشتن کتاب و مفتضح کردن این گروه ها می گوید: «رسوا کردن آنها نزد من آسان تر از نوشیدن جرعه ای آب است؛ به سبب آنکه در علوم و روش هایشان، یعنی روش های صوفیه و فلاسفه، بسیار غور کرده ام»^۲ (غزالی، ۱۹۹۳م، ص. ۶۰).

۱. هذا منتهي إيمان من قرأ مذهب فلسفة الإلهيين منهم، و تعلم ذلك من كتب ابن سینا و أبي نصر الفارابي.

۲. ان فضح هؤلاء أيسر عندي من شربة ماء لكثرة خوضي في علومهم و طرقهم، أعني طرق الصوفية و الفلاسفة.

معمولاً در کلام غزالی فلاسفه مدعیان علم و حکمت‌اند؛ علم و حکمتی منفی که به انکار شرعیات منجر می‌شود و از این رو غزالی آن‌ها را به ترک تقوی و پیروی از شهوات متهم می‌کند: گروه‌هایی لجوج که با ظواهر مخالفت و علیه آن اشکال می‌کنند... این امر باعث می‌شود که حشر و نشر و بهشت و جهنم و معاد را انکار کنند، ریسمان تقوی و ورع را بگسلند و به دنبال حطام دنیوی و ارتکاب حرام و پیروی از شهوات باشند (غزالی، ۱۹۹۳، ص. ۳۴).

در این عبارت نیز، به‌ویژه با قرینه تأکید بر انکار معاد که خاصه ابن سینا و نظریه معاد روحانی اوست، می‌توان تعریض غزالی و اتهام به بی‌تقوایی و اتباع از شهوات را متوجه ابن سینا دانست. اتهام غزالی صریحاً راجع به شرب خمر ابن سینا در شرایط خاص است و در این باره به عبارات او در رساله العهد تمسک کرده و نهایت ایمان فیلسوف را استثنای خمر از محرمات به جهت درمان دانسته‌است:

حتی ابن سینا در وصیت‌نامه خود آورده که با خدای متعال عهد کرده که چنین و چنان کند و جز برای معالجه و شفا شراب ننوشد. نهایت درجه او در ایمان و التزام به عبادت این بود که با هدف تداوی شراب را از محرمات استثنا کند^۱ (غزالی، ۱۴۱۶ق، ص. ۵۶۰).

۲. عبارات مورد تمسک غزالی در اثبات شرب خمر فلاسفه

اگرچه مواضع صریح اتهام غزالی به ابن سینا در شرب خمر چندان زیاد نیست، برحسب قرائن و اشاره و تصریح او اصل این اتهام به جمع فلاسفه و شخص ابن سینا در آثار غزالی آمده‌است؛ از این جهت شایسته است عبارات محتمل مورد تمسک غزالی تحلیل شود. در ادامه عباراتی را که موهم چنین برداشتی توسط امثال غزالی است، ذکر و بررسی کرده‌ایم.

۱-۲. عبارات جوزجانی در زندگی‌نامه ابن سینا

یکی از این مواضع عباراتی است که از زبان خود او نقل و به قلم جوزجانی نگارش شده‌است. گویا این زندگی‌نامه بنابه درخواست ابن سینا و به قلم شاگرد برجسته‌اش، جوزجانی، نوشته شده‌است.

۱. حتی ابن سینا ذکر فی وصیة له كتب فیها انه عاهد الله تعالی علی کذا و کذا، ... و لا یشر ب تلهیا بل تداویا و تشافیا، فکان منتهی حالته فی صفاء الایمان و التزام العبادات، أن استثنی الخمر لغرض التشافی.

در این متن مواضعی با تعابیر «شرب» و «شراب» وجود دارد که از نظر غزالی دال بر شرب خمر ابن‌سینا است و غزالی برای نشان‌دادن اعتراف فیلسوف به عبور از حدود شرع به آن‌ها تمسک نموده است. عین عبارت چنین است:

به خانه‌ام برمی‌گشتم، چراغ را جلوی خود قرار می‌دادم و مشغول خواندن و نوشتن می‌شدم. هر زمان که احساس خواب‌آلودگی یا ضعف می‌کردم، یک فنجان شراب می‌نوشیدم تا قدرتم را بازیابم. سپس به مطالعه بازمی‌گشتم. وقتی می‌خوابیدم، همان مسائل را عیناً در خواب می‌دیدم و بسیاری از مشکلات در خواب برآیم روشن می‌شد^۱ (جوزجانی، ۱۳۳۱، ص. ۳).

غزالی از ظاهر تعبیر جوزجانی (شرب قدحی از شراب) چنین برداشت کرده است که ابن‌سینا به بهانه تجدید قوا و دستیابی به منفعت هوشیاری و ذکاوت و توانایی ادامه‌دادن تحقیق و مطالعه، اقدام به نوشیدن مقداری شراب می‌کرده و چنانکه از افعال مضارع در این عبارت پیداست، این شیوه معمول کار او در قرائت و کتابت و تألیف بوده است.

بعدها نیز در عباراتی که در بیان خواص مشروبات ذکر خواهد شد، ظاهراً چنین شواهدی بر این ادعا یافت می‌شود و ابن‌سینا بر فوائد مشروبات صحه گذاشته است. امروزه نیز مسئله مداوا با شراب (خمر) یا استفاده مقدار کمی از آن به جهت فوایدی که دارد، همواره مطرح و استفهامی شود. گویا این فکر که نوشیدن مقدار کمی از خمر با نیت مداوا یا دستیابی به منافع زیاد مانعی ندارد، در ذهن ابن‌سینا نیز از حسن عقلی برخوردار بوده و پذیرفته شده بوده است؛ چنانکه قرآن کریم نیز این مقدار از منافع موجود در شراب را نفی نمی‌کند و در آیات ابتدایی راجع به شراب، تنها از بیشتر بودن اثم آن سخن می‌گوید: «از تو درباره شراب و قمار می‌پرسند، بگو: در آن‌ها گناهی بزرگ و سودهایی برای مردم وجود دارد، و گناه آن‌ها از سودشان بزرگ‌تر است» (بقره، ۲۱۹).

۱. و ارجع إلى داری باللیل و احضر السراج بین یدی و اشتغل بالقرائة و الكتابة. فمهما غلبنی النوم أو شعرت بالضعف عدلت إلى شرب قدح من شراب لکیما تعود إلى قوای ثم ارجع إلى القرائة. و مهما أخذنی نوم كنت أرى تلك المسائل باعینها فی منامی و اتضح لی کثیر من المسائل فی النوم.

۲-۲. روایت جوزجانی از پاسخ ابن سینا به علمای شیراز

عبارت دیگر مورد استشهداد غزالی مربوط به پاسخ ابن سینا به سؤالات علمای شیراز است که به وسیله ابوالقاسم کرمانی برای ابن سینا ارسال شده و ابن سینا شبانه به تمامی آن مسائل پاسخ داده است. شرح ماجرا از زبان جوزجانی (۱۳۳۱) چنین است:

هنگام شب نماز خواندیم. شمعش را آماده کرد و به حاضر کردن شراب دستور داد. به من و برادرش گفت که بنشینیم و شراب بنوشیم. سپس شروع به پاسخ دادن به مسائل مذکور کرد. تا نیمه‌های شب مشغول نوشتن بود تا اینکه خواب بر من و برادرش غلبه کرد. ابن سینا به ما گفت که برویم. صبح دیدم کسی در می‌زند. منشی شیخ بود که از من می‌خواست نزد شیخ بروم. پیش شیخ رفتم، در حالی که روی سجاده نماز بود و پنج فصل نوشته شده در مقابلش بود. گفت: «اینها را نزد شیخ ابوالقاسم کرمانی ببر و به او بگو جواب‌ها را با عجله نوشتم تا فرستاده دیر نکند.»^۱ (ص. ۱۰). این عبارت نیز از موارد استشهداد غزالی در اثبات شراب‌خواری ابن سینا است (غزالی، ۱۹۹۳، ص. ۱۲۰). چون شب هنگام مسائل به دست بوعلی می‌رسد و وی نمی‌خواسته فرستاده را زیاد معطل کند، همان شب به سؤالات پاسخ می‌دهد. وی برای حفظ توانایی و قدرت بر نوشتن دستور به حاضر کردن شراب می‌دهد و علی‌القاعده تا صبح که مشغول کتابت پاسخ‌ها بوده، از شراب استفاده کرده است. وی تا صبح پنج جزء نوشته بوده است که به صورت متعارف حدود پنجاه صفحه مطلب است.

۳. نقد و بررسی برداشت غزالی از عبارات پیش گفته

مواجهه غزالی با ابن سینا و برداشت او از این عبارات از جهات متعدد عرفی، علمی، سیاسی، اجتماعی، دینی، مذهبی، روانی و... قابل نقد و بررسی است که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد؛ لکن در این موضع صرف نظر از دیگر جهات و با تکیه بر قواعد برداشت از

۱. و صلینا العشاء و قدم الشمع، فأمر باحضار الشراب، و اجلسنی و آخاه و أمرنا یتناول الشراب و ابتداء هو بجواب تلك المسائل. و كان یكتب إلى نصف اللیل حتی غلبنی و آخاه النوم، فأمر بالانصراف فعند الصباح قرع الباب فإذا رسول الشیخ یتحضرنی فحضرته و هو علی المصلی، و بین یدیه الأجزاء الخمسة، - فقال: خذها و صر بها إلى الشیخ أبي القاسم الكرمانی، و قل له استعجلت فی الأجوبة عنها لئلا یتعوق الركابی.

ظواهر^۱، به نظر می‌رسد عبارات جوزجانی مفید چنین معنایی نیست و بر آنچه غزالی می‌گوید دلالت معتبری ندارد و پذیرش این امور بر فرض صحت، اعم از ادعای غزالی است. چنانکه نشان خواهیم داد، برداشت مخالفان از ظاهر عبارات گرفتار نوعی ضعف و اختلال درونی است؛ چنانکه از مغالطه و مخالطه اشتراک لفظ «شراب» و «مشروب» متأثر است. با توجه به قرائنی که از شخصیت ابن سینا و سبک زندگی ایمانی و آثار برجای مانده از او برمی‌آید، ابن سینا متعهد، دین‌دار و پای‌بند به احکام و قواعد شرعی بوده. نه تنها نشانه‌های متعددی از التزام به شریعت و اطاعت از خدا و پیامبر در زندگی وی مشاهده می‌گردد، بلکه وی به سیروسلوک عرفانی، زهد و ریاضت نفس، ترک شهوات، پرهیز از افراط و تفریط نفس و... پای‌بند بوده که می‌توان این اعتقاد نظری و التزام عملی را در جای‌جای آثار او نشان داد (نصرتی، نوروزی، میرشاه جعفری، و نصرآبادی، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۹). چنانکه بر فرض احتمال ارتکاب وجود داشته‌باشد، ابن سینا این عمل را مطابق برخی مکاتب فقهی انجام داده‌است و براساس این احتمال، انتساب این امور متضاد با نظام عقیدتی و دستورات دینی به او، بعید به نظر می‌رسد.

۳-۱. تعارض ظاهر گزارش جوزجانی با برداشت غزالی

۳-۱-۱. تضرع معنوی و شرب خمر در روایت واحد

بر فرض صحت دست‌نوشته جوزجانی، مقارنت دو واقعه ناهمگون در کنار هم و به فاصله چند خط، تعارض درونی برداشت غزالی از آن عبارات را نشان می‌دهد. در متن جوزجانی که مورد استشهاد غزالی است، در چند خط قبل ابن سینا پس از شرح نبوغ و توانایی خود در حفظ و یادگیری علوم مختلف و تلاش خستگی‌ناپذیر در کسب علم و قدرت فکر و استدلال، درباره رعایت قواعد و تنظیم حدود وسط و حل معضلات خاطر نشان می‌کند که هرگاه علی‌رغم به‌کارگیری توانایی خود در حل مسئله‌ای عاجز می‌شود، اول به مسجد می‌رود و نماز می‌خواند و به درگاه خداوند تضرع می‌کند تا مشکلات بر وی آسان گردد. عین عبارت کامل جوزجانی (۱۳۳۱) در این باره چنین است:

۱. یعنی اصول و قواعدی که عموم مردم و عقلا در فهم معنای سخنان یکدیگر از آن‌ها استفاده می‌کنند.

سپس یک سال و نیم خود را وقف علم و مطالعه کردم؛ بنابراین خواندن منطق و تمام بخش‌های فلسفه را از سرگرفتم و در این مدت حتی یک شب به‌طور کامل نخوابیدم و در روز به کار دیگری مشغول نشدم. هر استدلالی را بررسی می‌کردم، مقدمات قیاسی و ترتیب آن‌ها و نتایجی که از آن‌ها قابل استنتاج بود و نیز شروط مقدمات قیاس را در نظر می‌گرفتم، تا زمانی که آن مسئله برای من حل می‌شد. در مسائلی که در آن‌ها متحیر می‌ماندم و حد وسط استدلال آن را نمی‌یافتم، به مسجد می‌رفتم و نماز می‌خواندم و به درگاه خدا تضرع می‌نمودم تا آن مشکل را بر من آسان گردانند. از خدا می‌خواستم که راه‌حل مسئله را بر من بگشاید و دشواری آن را آسان کند. سپس به خانه‌ام برمی‌گشتم، چراغ را جلوی خود قرار می‌دادم و مشغول خواندن و نوشتن می‌شدم. هر زمان که احساس خواب‌آلودگی یا ضعف می‌کردم، یک فنجان شراب می‌نوشیدم تا قدرتم را بازیابم. سپس به مطالعه بازمی‌گشتم. وقتی می‌خواخوابیدم همان مسائل را عیناً در خواب می‌دیدم و بسیاری از مشکلات در خواب برایم روشن می‌شد (ص. ۳).

چنانکه می‌بینیم، در برداشت غزالی از گزارش این واقعه نوعی تهافت و ناسازگاری به‌چشم می‌خورد. چگونه شخصی که تا این حد در حل مسائل علمی به نقش نماز، معنویت و قداست روح، تهذیب نفس و ارتباط با ملکوت معتقد است، بلافاصله بعد از بازگشت از مسجد و احساس خستگی به ارتکاب شرب خمر - که از محرّمات فقهی در همه مذاهب فقهی است (مانده، ۹۱) - اقدام می‌کند؟ شاید این مسئله درباره شخصیتی عادی و مذدب که تحت تأثیر احساسات و گرایش‌ها و کشش‌های نفسانی عمل می‌کند، قابل قبول باشد، اما چنانکه درباره قرائن شخصیتی ابن سینا خواهیم گفت، چنین تهافتی از کسی مانند ابن سینا که از استحکام فکری و نبوغ علمی و ذهنی برخوردار بوده‌است، بسیار بعید به نظر می‌رسد.

۳-۱-۲. پاسخ به علمای شیراز و رفتار دوگانه

در عبارت مربوط به پاسخ به سؤالات علمای شیراز به نمایندگی ابوالقاسم کرمانی نیز همین تهافت به‌چشم می‌خورد. در آن گزارش ابن سینا به مستحبات شریعت توجه نشان داده و نماز عشا را با جماعت می‌خواند؛ لکن همین فرد تا صبح مشغول نوشتن علوم منطقی و فلسفی و نوشیدن خمر است و متنی پنجاه‌صفحه‌ای را در پاسخ به سؤالات دشوار منطقی و فلسفی تحریر می‌کند!

باین حال سحرگاه دوباره جوزجانی فیلسوف را در سجاده نماز مشاهده و حالات معنوی او را گزارش می‌کند. آیا چنین تذبذب اعتقادی و رفتاری از شخصی عادی قابل قبول است؟ چگونه فیلسوف برجسته‌ای مانند ابن سینا - که آوازه شهرت او چنان فراگیر است که علمای شیراز برای دانستن چند مسئله منطقی، یکی از شیراز به گرگان اعزام می‌کنند - در حین توضیح مسائل دشوار منطقی به این تعارض و تناقض رفتاری خویش ملتفت نباشد و علی‌الدوام میان محراب و سجاده نماز و سفره شراب حرام در رفت‌وآمد است؟ آیا ابن سینای طیب نمی‌داند که شراب و سایر مشروبات الکلی نه تنها موجب تقویت نفس نمی‌شود و ذهن خسته را احیا نمی‌کند، بلکه برعکس نفس را آشفته، عقل را مختل، فکر را گیج و شخص را کم‌حال می‌کند و نمی‌داند که نتیجه استفاده از شراب انگوری سستی و فراموشی و خلسه و خاموشی است؟ چگونه ابن سینا در حل مسائل دشوار و مفاهیم انتزاعی منطقی و فلسفه برای احیای ذهنش از مشروبات الکلی کمک گرفته است؟

۲-۳. عدم توجه به اشتراک لفظ «مشروب» و «شراب»

چنانکه گفتیم، در متون فلسفی و اخلاقی و طبی و طبیعی و سیره‌نویسی روزگار ابن سینا به جهت تماسی که علماء و دانشمندان با دربار پادشاهان داشتند، سخن از شراب و مشروب و انواع و احکام آن رایج بوده است (طبری، ۱۳۷۳، ج ۲، ص. ۱۱۹۷). اگرچه بحث زبان‌شناسی تفصیلی درباره وضع و استعمال و اشتقاق و تحولات معنایی و تفاوت‌های آن در عرف عرب، و ارائه شواهد معنایی و زبانی آن نیازمند مجالی بیشتر، و شایسته تحقیقی جداگانه است، فعلاً در مقام بحث این واقعیت که در زبان عربی از آن زمان تا امروز لفظ «شراب» و «مشروب» معنایی عام دارد و برای انواع نوشیدنی‌ها به کار می‌رود (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۶، ص. ۲۹)، برای ایجاد احتمال و نفی اصل اشکال کافی به نظر می‌رسد. از مجموع استعمالات واژه «مشروب» در موارد متعددی از آثار ابن سینا می‌توان فهمید که ابن سینا و دیگر نویسندگان زمان او «مشروب» و «شراب» را نه تنها برای شراب انگور و شیرۀ خرما، بلکه برای انواع نوشیدنی‌ها استفاده می‌کردند (ابن سینا، ۲۰۰۵م، ج ۱، ص. ۱۱۹ و ۲۰۱).

با وجود این در متن مورد استشهاد مخالفان معنی «مشروب» به روشنی تعیین نشده و تصریحی بر این مطلب وجود ندارد که ابن‌سینا شرب خمر کرده یا آن را حلال دانسته باشد. یکی از مهم‌ترین اشکالاتی که در این برداشت وجود دارد، ناشی از همین اشتراک لفظ کلمه «شراب» و «مشروب» در زبان عربی با «شراب» و «مشروب» در زبان فارسی یا زبان‌های دیگر است. چنانکه گفته شد، حتی امروزه نیز در زبان عربی به انواع نوشیدنی‌ها و آب‌میوه‌ها «مشروب» یا «شراب» نامیده می‌شود. با وجود این احتمال و اصل حمل بر صحت می‌توان این اتهام را نفی کرد. از غزالی که خود استاد اخلاق است و اخلاق و عرفان را نهایی‌ترین مرتبه کمال علمی و عملی و عروج انسان می‌داند، انتظار می‌رود که در صورت وجود احتمال، تا حد امکان قول و عمل را حمل بر صحت کند. سخن ابن‌سینا نیز در این مواضع دلالتی بر اقرار ابن‌سینا به شرب خمر ندارد و قابل توجیه است.

ترجیح یکی از دو معنا از کلام ابن‌سینا - حتی اگر بدون قرینه و در حد شک می‌بود - توجیهی نداشت؛ البته چنانکه خواهیم گفت، در این باره قرائنی نیز بر خلاف قائم است. به‌هر حال نوشیدن قدحی از شراب برای قوت گرفتن می‌تواند به معنای خوردن نوعی نوشیدنی، مانند شیرۀ خرما یا انگور یا توت یا میوه‌های دیگر باشد؛ یا چنانکه خواهیم گفت، شراب محلّ شیرۀ اختلاف مکاتب فقهی باشد. اگرچه احتمال شراب حرام فقهی نیز در آن وجود دارد، همه در حدّ احتمال است و برحسب قواعد برداشت از ظواهر در لفظ مشترک، ترجیح یک معنا بدون وجود قرینه قابل اعتماد و صحیح نیست.

این سوء برداشت امثال غزالی بعدها با استعمال دیگران نوعی رواج و شیوع پیدا نمود و خود عاملی برای مقبولیت پذیرش این اتهام به ابن‌سینا و دیگر فیلسوفان گردید. چنانکه می‌بینیم، بعد از غزالی و رواج تبلیغ اتهاماتی چون بی‌اعتنایی به شریعت، تکیه افراطی بر عقل انسانی، همسان دانستن خود با انبیاء، ادعای فهم مصالح و مضارّ اشیاء، بی‌نیازی از تبعیت از فقها، مسئله شراب‌خواری ابن‌سینا نیز کاملاً مقبول افتاد و در میان مخالفان فلاسفه متداول گردید؛ چنانکه بیهقی (۱۳۹۰) - که او نیز چندان میانه‌ای با امثال ابن‌سینا ندارد - هنگام نقل متون ابن‌سینا تعبیر

«شراب» و «مشروب» را - که در نگاه بدوی میان «شیره» و «شراب انگوری» مشترک است - به لفظ «نبیذ» که نوع خاصی از شراب است، تغییر می‌دهد (ص. ۴۱). این تغییر اگر عمدی باشد، با هدف القای شرب خمر ابن‌سینا انجام شده است؛ در حالی که اولاً مراد از «شیره» و «شراب خرما» در عبارت معین نیست و بر فرض که مراد ابن‌سینا از «مشروب»، «شراب خرما» باشد، نوشیدن آن در برخی مذاهب فقهی جایز است (الشیبانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص. ۲۰۷؛ ابن‌همام، بی تا، ج ۱۰، ص. ۹۱).

محفل مخالفان ابن‌سینا مسئله شرب خمر او را چنان مسلم و مفروغ‌عنه و دارج و رایج تلقی می‌کردند که احتمال خلاف در نظر آن‌ها قابل طرح نبوده است؛ تا جایی که اگر احیاناً در عبارت فیلسوف کلمه‌ای دو پهلو وجود داشته و در ذهن مخاطب این شائبه را ایجاد می‌کرده که شاید مراد فیلسوف چیزی غیر از شراب انگوری باشد، نویسنده تعبیر «مشروب» را به «نبیذ» تبدیل کرده است. این در حالی است که همین نویسندگان گاه فلاسفه یونان را - که قرائن کمتری بر دینداری و خداپرستی آن‌ها وجود دارد - از ارتکاب این امور تطهیر کرده و ابن‌سینا و دیگر فلاسفه را به انحراف از مسیر فیلسوفان قدیم، ارتکاب امور ناشایست و سرپیچی از احکام شرع متهم کرده‌اند (بیهقی، ۱۳۹۰، ص. ۴۱).

آیا بیهقی ناخواسته از این مطلب غفلت کرده و ندانسته کلمه «شراب» را با «نبیذ» جایجا کرده است؟ یا فضایی که بعد از غزالی درباره مشی علمی و عملی فیلسوفان رایج شده بود، او را به ترجیح این تعبیر متمایل کرده است؟ یا دل‌بستگی امثال ابن‌رشد و بیهقی به فیلسوفان گذشته موجب شده تا بیهقی با هدف تطهیر افلاطون و ارسطو، ابن‌سینا را فیلسوفی معرفی کند که از سیره فلاسفه سلف تخلف کرده و به خوردن مشروب و ارتکاب معاصی گراییده است؟ یا پیچیدگی و خفای این اشتراک لفظی موجب این برداشت توسط مخالفان شده است؟ این‌ها احتمالاتی است که می‌توان در ظاهر تعبیر منقول خالفان و عدم رعایت امانت‌داری آن‌ها مطرح کرد.

به نظر می‌رسد اگرچه ابن‌سینا در آثار مختلف خود درباره شراب انگوری نیز مباحثی دارد، در مواضع مذکور درباره شراب مست‌کننده و خمر صحبت نمی‌کند. با توجه به مسئله تقویت

ذهن و رفع خستگی و موقعیت‌های کاری دشوار که در آن‌ها استفاده از شراب توسط ابن‌سینا گزارش شده، همچنین از مشروط‌کردن به عدم‌مست‌کنندگی یا لهو و لعب بودن، چنین برداشت می‌شود که مراد ابن‌سینا، یا نوشیدنی‌ها و آب‌میوه‌های مختلفی بوده که از گیاهان و میوه‌ها به دست می‌آید، یا همان شراب و نبیذ خرماس است که برخی مذاهب فقهی، مانند فقه حنفی، استفاده مشروط آن را جایز می‌دانسته‌اند (بابرتی، بی تا، ج ۱۴، ص. ۳۶۳؛ مرغینانی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص. ۳۶۹).

۳-۳. مفهوم‌شناسی و استعمال واژه «شراب» در آثار ابن‌سینا

ابن‌سینا (۲۰۰۵م) شراب را در معانی مختلفی مانند خمر و آب میوه و انواع شیرها استفاده می‌کند.

او در قانون ده‌ها نوع شراب ذکر کرده و درباره ویژگی‌ها و خواص آن‌ها سخن گفته است (ج ۴، ص. ۴۹۶-۵۱۲) که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱) در مواردی «تعبیر» شراب را به معنای آب گرفته شده از میوه یا سبزی به کار برده است؛ مثلاً می‌توان به توصیه وی در استفاده از آب ریحان برای جلوگیری از بدبو شدن شیر مادر اشاره کرد (ابن‌سینا، ۲۰۰۵م، ج ۱، ص. ۲۰۱).

۲) وی در موضع دیگری از کتاب قانون معتقد است کم‌کردن غذا و زیادکردن نوشیدنی برای جلوگیری از امراض فصل بهار مفید است و برای نوشیدن، تعبیر «شراب» را به کار برده است (ابن‌سینا، ۲۰۰۵م، ج ۱، ص. ۱۱۹). او معتقد است پرکردن بدن با نوشیدنی بهتر از پر کردن آن با غذاست (ابن‌سینا، ۲۰۰۵م، ج ۱، ص. ۲۱۷). این مطلب که ابن‌سینا «شراب» را در مواردی به معنای آب میوه یا سبزی به استفاده کرده است، می‌توان به این قرینه تقویت نمود که وی برای اشاره به شرابی که مست‌کننده است، آن را با مقید و به صورت «الشراب المسکر» به کار برده است (ابن‌سینا، ۲۰۰۵م، ج ۱، ص. ۱۸۰).

۳) وی تعبیر شراب را به واژه «طعام» عطف نموده است که به معنای خوردنی و نوشیدنی است (ابن‌سینا، ۲۰۰۵م، ج ۱، ص. ۱۶۱).

۴) او همچنین در رساله دفع المضار الكلية دربارهٔ تاثیر نوشیدنی‌ها در سلامتی می‌گوید: «شراب به معنای مست‌کننده و آب‌میوه و ربوب به کار می‌رود؛ لکن منظور ما از شراب در اینجا آب‌میوه است.» (ابن سینا، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص. ۱۸).

۵) وی در موضعی از کتاب قانون شراب را برای قهوه نیز استعمال نموده است (ابن سینا، ۲۰۰۵م، ج ۲، ص. ۱۸۴).

به قرینه آنچه در رسائل ابن سینا (بی تا) آمده، مقصود ابن سینا نوشیدنی‌های گرفته شده از میوه‌ها و گیاهان دارای طعم و مزه یا نیبذ است که به حسب خواص مختلفی که دارند، در تأمین نیازهای موجودات زنده از جمله انسان مؤثرند. بحث ابن سینا در این فضا بیشتر پیرامون نقش تغذیه در تأمین اعتدال و بقای فرد و حفظ نوع است: «لذت‌ها برای بازسازی مزاج و طبیعت و بقای شخص و نوع استفاده می‌شوند ... دربارهٔ نوشیدنی‌ها مصرف آن‌ها صرفاً برای لهو و لذت و تفریح ممنوع است، اگرچه استفاده از آن‌ها را برای بهبودی، درمان یا تقویت جایز باشد.»^۱ (ص. ۱۵۵).

از نظر ابن سینا خوردن و آشامیدن و تولیدمثل که به‌طور طبیعی و به حکم حکمت الهی با لذت‌های نفسانی همراه است، عاقله را به سوی کسب لذات جسمانی سوق می‌دهد؛ اما شایسته نیست که نفس عاقله در این زمینه به نحو مطلق تابع شهوت باشد؛ بلکه برعکس باید شهوت که از قوای نفس است و ارادهٔ انسان را به سمت خوردن، آشامیدن و تمایلات جنسی می‌کشاند، تحت سیطرهٔ عاقله باشد (به نقل از سخایی، ۱۳۹۱، ص. ۵).

نفس عاقله که ابتدا در پیروی از غرایز دعوت قوهٔ شهویه را می‌پذیرد، این کار را به جهت درک حکمت‌هایی مانند حفظ سلامتی، تعادل بدن و تضمین بقای نوع انسان انجام می‌دهد. با وجود این جذابیت طعم‌ها این خطر را به همراه دارد که به تدریج و با گذر زمان، لذت‌های جسمانی را محوریت ببخشد و حکمت‌های الهی را با بهانه‌هایی نادیده انگارد (سلطانی و

۱. و اما اللذات فيستعملها على اصلاح الطبيعة و ابقاء الشخص او النوع ... و اما المشروب فانه يهجر شربه تلهيا بل تشفيا و تدويا و تقويا.

شجاری، ۱۳۹۱، ص. ۱۳)؛ بنابراین انسان باید این طعم‌ها را با توجه به اهداف خلقت و نه برای لذت استفاده کند. نفس عاقله خودش باید کشش‌های خود را تدبیر و مدیریت کند و برای حفظ تعادل، حداقل از چشیدن طعم‌های خاصی اجتناب کند:

«نفس ناطقه همان تدبیرکننده است؛ زیرا قوه شهوانی آن را به سوی خود می‌خواند، سپس نفس ناطقه پیرو آن می‌گردد و برای خود این عِلل را بهانه قرار می‌دهد. بلکه شایسته است تدبیری بیندیشد تا صورت برخی لذت‌ها را برای ذات نفس امری طبیعی گرداند، و همچنین در امور غلبه جویانه و افتخارآمیز.»^۱ (ابن سینا، بی تا، ج ۱، ص. ۱۵۵).

به نظر ابن سینا (بی تا) باید خوردن، آشامیدن، گوش دادن به موسیقی و ارتباط جنسی فقط در حدودی که با حکمت الهی منطبق است و به مقداری که موجبات حفظ فرد و نوع انسان را تأمین کند، انجام شود؛ چنانکه در رساله العهد درباره موسیقی می‌گوید: «درباره موسیقی و شنیدنی‌ها عهد می‌کنم از آنچه موجب تقویت جوهر نفس و پرورش قوای باطنی گردد، استفاده کنم (ص. ۱۵۵). همچنین در نمط نهم اشارات از «نغمه رخیمه» به عنوان صوت حسنی نام برده است که سالک به آن احتیاج دارد (ابن سینا، ۱۳۸۱، ص. ۳۵۹). بدیهی است صوتی که عارف به آن نیازمند است، صوت طرب‌انگیز و لعب‌ولهوی نیست، بلکه چیزی است که دارای جنبه‌ای ملکوتی و ماوراءطبیعی باشد؛ چنانکه ابن سینا (بی تا) در همین موضع از شراب نه برای شادی و لذت، بلکه برای سلامتی و درمان نام می‌برد: «در پیشگاه خدا عهد می‌بندم که جز برای سلامتی و درمان از شراب استفاده نکنم.» (ص. ۱۴۷).

او لذت‌ها را هدف اصلی زندگی و فکر و عمل شخص معرفی نمی‌کند؛ بنابراین غالباً مراد از او «مشروب» و «شراب» نوشیدنی‌هایی است که استفاده آن‌ها در حد اعتدال و برای تأمین اهداف خلقت که مبتنی بر مصالح و مفاسد فرد و نوع است، جایز است. طبیعی است که نه تنها در مشروبات، بلکه تعدی و تجاوز از میزان لازم در همه ضروریات زندگی مانند خوراکی‌ها،

۱. و تكون النفس الناطقة هي المدبرة لان القوة الشهوانية تدعو اليها ثم تكون النفس الناطقة تابعة لها و لتكن جاعلة لنفسها هذه العلة عذرا بل ينبغي ان تحتال حتى تجعل هيئة بعض اللذات لذاتها امرا طبيعيا للنفس و كذلك الامور الغلبية و الكرامية.

نوشیدنی‌ها، پوشیدنی‌ها، مرکب‌ها و... انسان را از مسیر اعتدال و حفظ مزاج طبیعی و مصالح نوع دور می‌کند و بعید است واجبات و محرمات شریعت - که همه مبتنی بر مصالح و مفاسد واقعی است - در اندیشه حکیمی که درباره حکمت شریعت سخن می‌گوید، نادیده انگاشته شود.

۳-۴. اختلاف آراء فقهی و قرائن همسویی عملی ابن‌سینا با فقه رایج

یکی دیگر از اشکالاتی که می‌توان در برداشت غزالی از عبارات ابن‌سینا مطرح کرد، عدم توجه به اختلافات فقهی درباره شراب انگور و خرما و احتمال مشروعیت عمل ابن‌سینا مطابق برخی از آن‌هاست. شراب انواع متنوع و مختلفی دارد که از اقسام میوه‌ها و گیاهان قابل تهیه است. در نگرش فقهی همه این اقسام شراب از لحاظ حرمت، کراهت یا اباحه دارای حکم واحدی نیستند. مکاتب فقهی درباره حکم شراب کشمش، خرما خشک، جو، ارزن، عسل و غیره، و شرایط حرمت و حلیت آن‌ها در مراحل جوشیدن، کف کردن، نصف و ثلثان شدن و تبدیل به شیر یا شراب یا مخلوط شدن آن‌ها اختلاف نظر دارند (مرغینانی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص. ۳۶۹). حرمت برخی از آن‌ها مانند شراب گرفته شده از انگور مورد اتفاق غالب فقهای شیعه و سنی است. اگرچه حرمت خمر در چند مرحله و به تدریج وارد شده، در نظر نهایی قرآن از آن به عنوان عملی شیطانی یاد شده، در کنار گناهان بزرگی چون قتل قرار گرفته و به حرام شدن آن بر مؤمنان تصریح شده است؛ از این رو علی‌رغم اختلاف در جزئیاتی مانند نجاست و طهارت آن، نسبت به حرام بودن اصل آن در میان هیچ کدام از مذاهب فقهی اختلافی وجود ندارد (مائده: ۹۱).

۳-۴-۱. جواز نبیذ در فقه حنفی

از صدر اسلام نسبت به دیگر اقسام شراب نیز آراء مختلف فقهی صادر و استفاده از برخی اقسام آن جایز یا مکروه شمرده شده است؛ چنانکه مکتب حنفی استفاده از شراب حاصل از خرما (نبیذ) را جایز و نوشیدن آن را مضر به ایمان شخص نمی‌دانست. اگر نبیذ مست‌کننده نباشد، یا به صرف تلّه و زیاد مصرف نشود، خوردن آن مانعی ندارد (ابن‌همام، بی‌تا، ج ۱۰، ص. ۹۱). این فتوا اگرچه مخالف فقه شیعه و دیگر مکاتب فقهی اهل سنت بود و انتقاداتی را علیه مکتب فقهی حنفیه شکل داد، واقعیتی است که در عرصه اجتهاد فقهی رخ داده است: «نبیذ به مقدار کم یا بعد از ثلثان اگر مست‌کننده و از روی لهو و طرب نباشد، حلال است. این نظر ابوحنیفه و

ابویوسف است. اگرچه از نظر محمد و شافعی حرام است» (مرغینانی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص. ۳۶۹).

در دیگر مکاتب سنی و شیعه اثناعشری تفاوتی میان انواع شراب نیست. اگرچه گاه فقه شیعه به حلیت نبیذ متهم شده، آنچه در روایات شیعه درباره جواز استفاده از نبیذ آمده، نبیذ خرما نیست. در این روایات مراد از نبیذی که خوردنش جایز است و رسول خدا (ص) با آن وضو گرفته‌اند، آبی است که تکه‌های خرما داخل آن می‌انداختند و مدتی بعد استفاده می‌کردند. فقه شیعه در پاسخ به اینکه آیا وضو و شرب این نبیذ جایز است یا نه، فتواداده که شرب جایز است و وضو مشروط به مضاف نبودن است^۱ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص. ۱۵).

از قضا در روایات شیعه از قول پیامبر اکرم (ص) نقل شده که آن حضرت این واقعه را پیش‌گویی کرده و تذکر داده‌بودند که مردم به بهانه نبیذ بودن، خمر را حلال خواهند شمرد: «ای علی! همانا اتمم پس از من آزمایش می‌شوند، حرام‌ها را با شبهه‌های دروغین و حيله‌های واهی حلال می‌کنند، و بدین‌سان خمر را به نام «نبیذ» و رشوه را به نام «هدیه» و ربا را به نام «بیع» حلال می‌گردانند.»^۲ (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶، ص. ۶۵).

۳-۴-۲. ابن سینا و هم‌سوئی عملی با فقه رایج

به‌ر حال با توجه به قرائنی همچون حنفی بودن برخی اساتید، مشابهت تعبیر ابن سینا و شروط نوشیدن شراب با فقه حنفی و نیز ارتکاب و گزارش آن بدون مخالفت جامعه، این احتمال وجود دارد که در آن زمان ابن سینا تحت تأثیر فقه حنفی از شراب خرما استفاده می‌کرده و کلمه «شراب» را در معنای «نبیذ» و ناظر به همین اصطلاح فقهی به‌کار برده است. با وجود این احتمال می‌توان گزارش‌ها را توجیه و برخی شخصیت‌ها را از اتهام به شرب خمر تبرئه نمود. اما بر طبق نظر مشهور ابن سینا اسماعیلی است و در خانواده‌ای اسماعیلی متولد شده و زیست کرده است (بیهقی، ۱۳۹۰، ص. ۸). چنانکه می‌دانیم، اسماعیلیه بعد از جدایی از مسیر

۱. وَلَا بَأْسَ بِالتَّوَضُّؤِ بِالنَّبِيذِ لِأَنَّ النَّبِيَّ (ص) قَدْ تَوَضَّأَ بِهِ.

۲. یا علی ان القوم سیفتنون بعدی بأموالهم...، فیستحلون الخمر بالنبیذ و السحت بالهدیه و الربا بالبیع.

امامت شیعی، در ابعاد مختلف علمی و عملی به نوعی التقاط دست‌زد (حلبی، ۱۳۷۶، ص. ۱۴۲). ابن‌سینا (۱۳۶۴) خود می‌گوید مذهب اسماعیلی - که پدرم به آن پای‌بند بود - وی را اقناع‌نمی‌کرد (ص. ۱۷)؛ لذا تمایل او به دیگر مکاتب فکری و پیروی او از احکام فقهی حنفی چندان دور از واقع نیست؛ پس استفاده او از نبیذ را نیز می‌توان مطابق همین احتمال توجیه‌کرد. شواهد ذیل را می‌توان به عنوان مؤید این مطلب ذکر نمود:

الف) لحن کلام ابن‌سینا (بی‌تا) و شروطی که برای استفاده از این نوع شراب در رساله العهد ذکر کرده، بسیار نزدیک به بیان فقهی حنفی است، ابن‌سینا می‌گوید: «شریعت نوشیدن شراب برای لذت و تفریح را نهی کرده، اما استفاده از شراب را برای سلامتی و معالجه و تقویت قوا جایز دانسته‌است.» (ص. ۱۵۵). شبیه این تعبیر و ذکر همین شروط در دیگر آثار ابن‌سینا نیز هست که پیش‌تر به آن‌ها اشاره‌شد. او معمولاً نوشیدن شراب را همراه با قیودی مانند تأمین مصالح نوع، تقویت نفس، رفع خستگی ذهن، عدم مست‌کنندگی و بدون لهو و لعب ذکر کرده‌است؛ در نتیجه می‌توان گفت حتی اگر مراد ابن‌سینا از شراب نه نوشیدنی‌ها و شیرهای مختلف، بلکه همان شراب خرما و نبیذ باشد، بیانی که در این موارد و برخی آثار دیگر مانند «رساله العهد» دارد، ناظر به همان اختلاف نظر فقهی و برمبنای فقه حنفی - که در آن زمان رایج بوده - نوشته شده‌باشد؛ چنانکه امروزه در فرق و مذاهب و مکاتب مختلف دینی و فقهی، برخی اختلاف نظرها در حلال و حرام بودن و یا شروط حلیت و حرمت برخی اشیاء و اعمال وجود دارد؛ مثلاً امروزه گوشت خرگوش در برخی مکاتب فقهی، مانند شیعه اثناعشری، حرام و در بسیاری از مکاتب فقهی اهل سنت محکوم به حلیت است و میلیون‌ها مسلمان از آن استفاده می‌کنند (ابن‌قدمه، بی‌تا، ج ۱، ص. ۸۲؛ وزارت اوقاف کویت، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص. ۱۳۳).

ب) شاهد دیگر اقدام و گزارش صریح این عمل توسط ابن‌سینا و دیگران است که نشان می‌دهد انجام دادن آن مانع و مخالفتی جدی در پی نداشته‌است. این تنها در صورتی ممکن است که فضای عرفی و عمومی جامعه پذیرای چنین مسئله‌ای باشد و حساسیت یا مخالفتی نسبت به آن وجود نداشته‌باشد؛ درحالی‌که اگر این عمل شرب خمر باشد، کسی جرأت

انجام‌دادن و تصریح به ارتکاب عملی آن را نداشت؛ به‌ویژه اینکه در آن زمان جامعه اسلامی در این مسائل سخت‌گیری‌های اعتقادی و عملی بیشتری نسبت به دوران‌های بعدی از خود نشان‌می‌داد. عادی بودن ارتکاب و گزارش این عمل توسط بوعلی نشان‌می‌دهد که این عمل در صورت وقوع، در فضای اجتماعی حنفی و چارچوب فقه ابوحنیفه آشکارا واقع و تکرار می‌شده و از سوی محیط پیرامون یا نظام مذهبی و سیاسی حاکم نیز نفی و انکاری نسبت به آن وجود نداشته‌است.

این مسئله اختصاص به ابن‌سینا ندارد و درباره دیگران، مانند ابوسلیمان سیستانی و هارون‌الرشید نیز گفته شده‌است: «نوشیدن شراب که سیستانی به‌جهت پای‌بندی به مذهب فقهی حنفی از آن استفاده می‌کرد، مسئله‌ای چالش‌برانگیز است.» (سجستانی، ۲۰۰۴م، ص. ۳۱۱) «هارون‌الرشید مطابق سیره اهل عراق شیرۀ خرما یا نبیذ می‌نوشیده‌است. سیره و فتوای اهل عراق در حکایت نبیذ مشهور است.» (ابن‌خلدون، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص. ۲۵). در فقه شیعه نیز روایاتی در این‌باره وجود داشته و موجب ابهام و اتهام شده‌است.

ج) قرینه دیگر شاگردی ابن‌سینا نزد فقهای حنفی است. ابن‌سینا - چنانکه خود می‌گوید - از دوران کودکی با فقه آشنا و ظاهراً به احکام شریعت پای‌بند بوده‌است. او به ارشاد اسماعیل زاهد - که خود از فقهای برجسته حنفی بود - تحصیل در علم فقه را آغاز کرده‌بود: «به فقه مشغول بودم و نزد اسماعیل زاهد رفت‌وآمد می‌کردم. در درس او جزو کسانی بودم که بهترین مسائل را چنانکه معمولاً فقیهان طرح می‌کنند، مطرح می‌کردم.» (به نقل از جوزجانی، ۱۳۳۱، ص. ۱)؛ بنابراین بعید نیست که با روی‌گردانی از عقاید اسماعیلیه اشتغال به فقه حنفی موجب علاقه او به مکتب حنفی و عمل براساس آن شده باشد؛ پس ممکن است مراد ابن‌سینا در عمل و عبارت او شراب خرما یا نبیذ است که بنابر فقه حنفی استفاده مشروط آن جایز است. این مقدار برای توجیه و تبرئه امثال ابن‌سینا کافی است که مورد غفلت امثال غزالی بوده‌است.

نتیجه‌گیری

غزالی از مخالفان بزرگ فلسفه است. او برای مقابله با فلسفه و فلاسفه از نقد نظری، اثبات

تهافت درونی، طرح نقدهای بیرونی و ارزیابی شخصیت و رفتار فیلسوفان استفاده کرده است؛ از جمله ابن سینا را - که نماینده جریان تفکر فلسفی است - به بی‌اعتنایی به احکام شریعت و ارتکاب شرب خمر در برخی شرایط متهم کرده است. مخالفان در اثبات این مطلب به عبارات مرتبط با سیره علمی و عملی ابن سینا تمسک نموده‌اند.

در مقاله حاضر این ادعا را بررسی کردیم و نشان دادیم که این انتساب از جهات مختلف محلّ تأمل و تردید است و عقیده و عمل ابن سینا به دلایل زیر قابل توجیه و تبرئه است:

(۱) اگر برداشت غزالی را بپذیریم، در خود این گزارش‌ها تعارض و تهافت ظاهری وجود دارد. چگونه در گزارشی واحد شخصی که در حل مسائل علمی به نماز، معنویت، قداست روح، تهذیب نفس و ارتباط با ملکوت معتقد است و هرگاه در حلّ مسائل علمی از قدرت نبوغ خویش ناامید می‌شود، حل مشکلات خود را از راه عبودیت و تضرع و اظهار عجز و نیاز از درگاه الهی درخواست می‌کند، بلافاصله بعد از بازگشت از مسجد و احساس خستگی به ارتکاب شرب خمر - که از محرّمات فقهی همه مذاهب است - اقدام می‌نماید؟

(۲) لفظ «شراب» و «مشروب» در زبان عربی مشترک است. در متون مذکور معنای مشروب به روشنی تعیین نشده و تصریحی بر این مطلب وجود ندارد که ابن سینا شرب خمر کرده یا آن را حلال دانسته باشد. این اشتراک لفظی کلمه «شراب» و «مشروب» در زبان عربی با «شراب» و «مشروب» در زبان فارسی یا زبان‌های دیگر موجب احتمال خطای اشتراک لفظ در برداشت مخالفان شده است. امروزه نیز در زبان عربی به انواع نوشیدنی‌ها و آب‌میوه‌ها «مشروب» یا «شراب» گفته می‌شود.

(۳) احتمال هماهنگی عمل و عبارت ابن سینا با مکتب فقهی حنفی وجود دارد که در برداشت غزالی به آن توجه نشده است. چنانکه گفتیم، مکاتب فقهی درباره حکم انواع شراب و شرایط حرمت و حلیّت آن اختلاف دارند. در مکتب حنفی نبیذ (شراب خرما) مشروط به اینکه مست‌کننده، از روی شهوت و لهو و لعب نباشد، حرام نبوده است. احتمال دارد ابن سینا تحت تأثیر فقه حنفی اقدام به نوشیدن نبیذ کرده باشد و این احتمال برای نفی استدلال و اتهام

مخالفان کافی است.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۹) (ناصر مکارم شیرازی، به ترجمه). قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب.
- نهج البلاغه (۱۴۰۳) (محمد دشتی، به ترجمه). مشهد: به نشر.
- آسمانی، امید، و ساجدی، علی محمد (۱۳۸۹). ملاحظات اخلاق علمی و عملی در زندگی و آثار ابن سینا. طب و تزکیه، (۷۶)، ۸۲-۹۱.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۸ق). تاریخ ابن خلدون. بیروت: دار الفکر.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۱). الإشارات و التنبیهات (مجتبی زارعی، به تصحیح) قم: بوستان کتاب.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ق). دفع المضار الكلية عن الأبدان الإنسانية دمشق: معهد التراث العلمي العربي.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (بی تا). رسائل. قم: بیدار.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (بی تا). الرسائل في الحكمة و الطبيعيات (في علم الاخلاق). قاهره: دار العرب.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۲۰۰۵م). القانون في الطب. بیروت: دار احیاء التراث العربي.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۶۴). ترجمة الأضحوية (حسین خدیو جم، به تصحیح) تهران: اطلاعات.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن قدامه مقدسی، عبدالرحمن بن محمد (بی تا). الشرح الكبير. بیروت: دار الكتاب العربي.
- ابن همام، کمال‌الدین محمد بن عبدالواحد السیواسی (بی تا). فتح القدير. قم: دار الفکر.
- ابوسلیمان سجستانی، محمد بن طاهر (۲۰۰۴م). صوان الحكمة و ثلاث رسائل (عبدالرحمن بدوی، به تحقیق) پاریس: دار ببلیون.
- باغستانی، اسماعیل (۱۳۸۶). نیم‌نگاهی به زندگی و سیرت اخلاقی ابن سینا. اخلاق کاربردی، ۳ (۹) و ۱۰، ۲۲۴-۲۳۷.
- بیهقی، علی بن زید (۱۳۹۰). تمة صوان الحكمة (محمد شفیعی، به تصحیح). تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- جمال‌الدین الرومی الباقری، محمد بن محمد بن محمود (بی تا). العناية شرح الهدایة. قم: دار الفکر.
- جوزجانی، ابو عبید (۱۳۳۱). سرگذشت ابن سینا تهران: انجمن دوستداران کتاب.
- خلیلی، اکرم، و اکبری، رضا (۱۳۸۷). ابن سینا فیلسوف عقل - ایمان‌گرا. حکمت سینوی، ۱۲ (۳۹)، ۸۱-۹۴.

- سلطانی کوهانستانی، مریم، و مرتضی، شجاری (۱۳۹۱). نقش تهذیب نفس در معرفت‌شناسی سینوی. حکمت سینوی، ۱۶(۴۷)، ۱۱۱-۱۳۰.
- سخایی، سیده مژگان (۱۳۹۱). «سعادت از نگاه ابن‌سینا و آگوستین: مطالعه‌ای مقایسه‌ای». حکمت سینوی، ۱۶(۴۷)، ۱۰۹-۱۸۹.
- الشیبانی، عبدالله بن احمد بن حنبل (۱۴۰۶ق). السنة (محمد سعید سالم القحطانی، به تحقیق). دمام: دار ابن القيم.
- غزالی، محمد بن محمد (۱۳۸۲). تهافت الفلاسفة (دنیا سلیمان، به تحقیق). تهران: شمس تبریزی.
- غزالی، محمد بن محمد (۱۹۹۳م). المنقذ من الضلال و الموصل إلى ذي العزة و الجلال (بو ملحم علی، به تحقیق) بیروت: دار و مكتبة الهلال.
- غزالی، محمد بن محمد (۱۴۱۶ق). مجموعة رسائل الإمام الغزالي. بیروت: دار الفكر.
- غزالی، محمد بن محمد (۱۴۰۶ق). جواهر القرآن، تحقیق محمد رشید رضا القبانی. بیروت: دار إحياء العلوم.
- مرغینانی، علی بن ابی‌بکر (۱۴۱۷). الهدایة شرح بداية المبتدی (احمد نعیم اشرف نور، به تصحیح) کراچی: إدارة القرآن و العلوم الإسلامية.
- مقدم، غلامعلی، و سلامی، محمد مهدی (۱۴۰۲). نقد و بررسی مواجهه جدلی غزالی در نسبت ضعف ایمان و شرب خمر به فلاسفه. شیعه‌شناسی، ۲۱(۸۳)، ۱۹۶-۱۷۷.
- نصرتی، کمال؛ نوروزی، رضا علی؛ میرشاه جعفری، سید ابراهیم؛ و بختیار نصرآبادی، حسن علی (۱۳۹۳). اهداف تربیت از نگاه ابن‌سینا. حکمت سینوی، ۱۸(۵۱)، ۱۱۵-۱۲۶.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۲). غزالی حکیم معاند فلسفه (در مجموعه جاودان خرد) (سید حسن حسینی، به اهتمام). تهران: سروش.
- وزارت اوقاف کویت (۱۴۱۴ق). الموسوعة الفقهية كويت: دولة الكويت وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۳). تاریخ‌نامه طبری (دوران اسلامی). تهران: البرز.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۷۶). تاریخ علم کلام در ایران و جهان. تهران: اساطیر.